

دخالت امپریالیستهای غرب در امور داخلی اوکراین عامل بی ثباتی در اروپاست

رویدادهای اوکراین هنوز داغ است و برای تجربه اندوزی بسیار با ارزش خواهد بود. در میان اپوزیسیون ایران که به سبک ژورنالیستی اظهار نظر، برای فرار از موضعگیری مارکسیستی لنینیستی خو گرفته است، رویدادهای اوکراین همان بازگویی تبلیغاتی است که به ویژه ماشین عظیم تبلیغاتی غرب راه انداخته است. در این اظهار نظرات "علمی"، وابسته به اینکه سخنگویان این اپوزیسیون از کدام گوشه بیایند، یک کمی چاشنی "مارکسیسم ناب" نیز با ترشی ضد روسی و "حقوق بشر" آمریکا-اروپائی و سرانجام اظهار فضل "تاریخی" آمیخته شده است. برای اپوزیسیون دست راستی ایران، نمایندگان مافیای در خارج از قدرت، نظیر زندانی تبهکار فراری، خانم یولیا تیموشنکو (Julija Timoschenko)، مامور آلمانها آقای ویتالی کلیچکو (vitali klitschko) و دارو دسته های بزن بهادر نازی، نمایندگان دموکراسی و مباشران آزادی و صدای اپوزیسیون ناراضی از فساد الیگارشی اوکرائین هستند. بزعم آنها ولادیمیر یانوکویچ (Wiktor Janukowitsch) فاسد و مستبد بوده و خانم مستبد و تبهکاری نظیر تیموشنکو دموکرات و پرچمدار مبارزه با فساد است. این تصویری است که غرب غارتگر برای انداختن یوغ اسارت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به گردن مردم اوکراین ترسیم می کند.

سبک ژورنالیستی نگارش، در واقع تنها بیان رویدادها و بازگویی موضعگیریهای علنی دو طرف دعوا و باقی ماندن در سطح برای پخش خبر است. در این سبک به عمق رویدادها نمی روند و رهنمودی هم برای جنبش کمونیستی و نیروهای مترقی ندارند. در این سبک ژورنالیستی که مودیان با "بی طرفی" نوشته می شود، به اصل مهم نه سیخ بسوزد و نه کباب توجه کافی مبذول می شود تا "واقعیینی" تحلیگران مورد تردید قرار نگیرد و بازارشان گرم باشد. اینکه روسیه امپریالیستی می خواهد به دوران اقتدار قبلی خویش برگردد و یا اینکه اروپا و آمریکا در اوکراین منافع دارند، "غیب گوئی" نیست، تکرار خسته کننده مکررات است. ایران هم در این میان منافع دارد. عربستان سعودی و قطر هم منافع دارند. یک مقاله را می شود با این پرگوئی های بی محتوی، برای آنکه چیزی نگفت پر کرد. پرسش نخست این است که آیا ما در کشور اوکرائین با یک جنبش مردمی روبرو بوده ایم؟ آیا آقای کلیچکو و خانم تیموشنکو و نازی های شریک در قدرت مبارزان ضد فساد و ضد الیگارشی هستند؟ آیا این تبلیغات امپریالیستهای غربی از تصویری که داده می شود، حقیقت دارد؟

بنظر حزب ما هرگز چنین نیست.

پس از فروپاشی شوروی و تلاشی این کشور و پراکنده شدن اقمار وی، امپریالیستهای غربی کوسه وار برای بلعیدن خون مردم این ممالک هجوم آوردند تا نیروی کار ارزان دست یافته، بازارهای فروش و مواد اولیه و ثروتهای این ممالک را به چنگ آورده و این سرزمین ها را به سکوی پرشی برای رقابت و ادامه توسعه دامنه مناطق نفوذ اقتصادی و نظامی و سیاسی و فرهنگی خویش به سمت شرق و دستیابی به تمام سرزمین بزرگ روسیه ی زخم خورده و تهدید راهبردی رقیبشان چین امپریالیستی، در آتیه تبدیل کنند. ارمنان "دموکراسی و آزادی و مبارزه با فساد" ریاکاری امپریالیستی و از دروغهای روشن آنهاست. کسانی که فریب این تبلیغات را می خورند، نه فقط ساده لوحان سیاسی هستند که ایجاد طبقات غارتگر جدید را به حساب دموکراسی و آزادی می گذارند، بلکه برای رهبری سیاسی جامعه ایران نیز خطرناک اند.

امپریالیستهای غرب، گرجستان را بلعیدند، آذربایجان را به زیر سلطه خود درآوردند، ممالک بالتیک را به پایگاه نظامی و تبلیغاتی غرب بدل کردند و حتی نازی های فراری به آمریکا را در بخشی از آنها بر سر کار آوردند. مبارزه تحریک آمیز ضد روسی آنها در قالب مودیان مبارزه با کمونیسم، چون سایه مخوفی بر این ممالک سایه افکنده است. آنها روسیه رویونیستی را مساوی شوروی سوسیالیستی دوران کبیر لنین و استالین قرار دادند تا خشک و تر را با هم بسوزانند. در حقیقت این ممالک نیمه مستعمره، اربابان جدیدی یافتند که تتمه امکانات رفاهی را نیز با نام نئولیبرالیسم از آنها گرفتند. در همه این ممالک مافیای قدیم بورژوازی نوخاسته شوروی، به مافیای کراواتی نوین بدل شد و استبداد بروکراتیک گذشته با رنگ و جلای جدید ادامه پیدا کرد. برای نمونه، در اوکراین هیچوقت یک رژیم

دموکرات بر سر کار نبود. چه رژیتم خانم یولیا تیموشنکو که تبهکاری تحت پیگرد پلیس است و چه آقای ولادیمیر یانوکویچ، هیچکدام انقلابی و دموکرات نبودند. آن رجاله هائی که تجمع میدان "مایدان" را با یاری تدارکاتی و عظیم مالی امپریالیستهای غرب رهبری می کردند و با دوربینهای تبلیغاتی غرب بزرگنمایی می شدند، نماینده مردم اوکرائین نبودند که گویا مخالف حکومت استبدادی و استقرار حکومت دموکراتیک هستند. مگر در اوکرائین بعد از کودتای اخیر توسط نازی ها، حکومت ملی و دموکراتیک بر سر کار آمده است که باید مورد تأیید قرار بگیرد؟ این رجاله ها که می خواستند از نارضائی مردم در اوکرائین استفاده کنند، پس از دست اندازی به اهرمهای قدرت، ماهیت فاشیستی و ضد بشری خویش را به بهترین وجهی در همین مدت کوتاه نشان داده اند. این عده حتی نمی توانند نمایندگان واقعی ناراضیان صمیمی باشند.

آقای یانوکویچ که در رقابت با خانم تیموشنکو، نماینده انقلاب مخملی آمریکائی، یک بار بازنده شده بود، در یک انتخابات دموکراتیک به همان مفهوم تیموشنکوئی آن، در زمانی که هنوز خانم یولیا تیموشنکو بر سر کار بود و این انتخابات را برگزار کرده بود، با اکثریت آراء مردم اوکرائین انتخاب شد. آقای یانوکویچ خوب یا بد، دموکرات یا مستبد، مافیا یا حاتم طائی، به اشتباه و یا بدرستی، نماینده منتخب اکثریت مردم اوکراین بود و هست. کسانی که در میدان "مایدان" تجمع کرده بودند، نمایندگان دموکراسی و مبارزان ضد مفاسد اجتماعی، هواداران آزادی بیان و قلم، رفع سانسور و تامین حقوق بشر نبودند و نیستند، زیرا به عنوان اقلیتی مستبد و بازنده ای چر زن در انتخابات، حاضر نیستند به رای اکثریت مردم اوکراین گردن بنهند، تصمیمات پارلمان اوکراین را که منتخب مردم اوکراین است، بپذیرند، آنها می خواستند آنچه را که در یک انتخابات دموکراتیک از دست داده اند، با زور تبلیغاتی و مالی امپریالیستهای غرب به کف آورند. وگرنه چه معنا دارد که عده ای با همه امکانات مالی و غذائی و داروئی و پوشاکی و بهداشتی، آنها بدون مجوز قانونی، در طی ماهها، نمایشات اعتراضی خودسرانه و طولانی راه بیاندازند و آشوب و بی ثباتی ایجاد کنند و ساختمانهای دولتی را اشغال نموده و حتی در موقعی که دولت آقای یانوکویچ خواستهای آنها را می پذیرد، خیابانها را ترک نکنند و به خانه های خود نروند و خواستهای جدید مطرح کنند و آنها تا حد کسب قدرت سیاسی ارتقاء دهند و نامش را به جای کودتا و تهدید و اراعب، پیروزی دموکراسی جا بزنند؟ وگرنه چه معنا دارد که آنها تک تیرانداز بسیج کنند و برای ایجاد بلوا و آشوب و ترلز عمومی، مردم عادی را بکشند، تا آنچه را که در اثر تحریکات بدون خونریزی کسب کرده اند، با جاری ساختن خون و تحریک اعصاب عمومی بدست آورند. رویدادهای اوکراین پیروزی مردم اوکراین نبود، کودتای امپریالیسم غرب بود تا از اوکراین برای منافع راهبردی خویش استفاده کند. اوکراین انبار غله اروپاست. ابر شرکتهای شل و شورون می خواهند برای استخراج ۲۰ میلیارد متر مکعب گاز از لایه های عمیق سنگی نفت در زیر زمینهای مزروعی اوکراین، در آنجا فعال شوند تا گاز اروپا را با نابودی محیط زیست در اوکراین، با شیوه استخراج آمریکائی تامین کنند و تا به امروز ۳۵۰ میلیون دلار در این عرصه سرمایه گذاری کرده اند. امپریالیستهای غرب می خواهند شیره جان مردم اوکراین را بکنند، تا آنها برای تامین ادامه بقاء و حفظ اقتصاد خویش و امدار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول گردند و به سازمان تجارت جهانی پیوسته و سیاست اقتصادی نئولیبرالی را که در جهان فاجعه آفریده است در اوکراین پیاده کنند. دولت نازی ها که با یک کودتا بر سر کار آمده است، ادعا می کند که کشور ما ورشکسته است و به ۳۵ میلیارد دلار در طی دو سال آینده برای نجات اقتصاد نیاز دارد. ایجاد هراس و ترس از مرگ بر جامعه اوکراین حاکم می شود تا دولت جدید همانطور که اعلام کرده است، تمام خواستهای صندوق بین المللی پول را به بهانه نجات اقتصاد برآورده سازد. ولی این خواستها به معنای افزایش قیمت کالاها، پائین نگهداشتن سطح دستمزد کارگران، حذف خدمات رایگان و یا اساسا خدمات دولتی، افزایش بهای برق، گاز، آب و... می باشد تا برای سرمایه گذاری های خارجی بازار اوکراین به بازای سود آور بدل شود. صندوق بین المللی پول که تا دیروز حاضر نبود به دولت قانونی وقت اوکراین کمک مالی کند، در ۲۸ ماه مارس ۲۰۱۴ اعلام کرد که حاضر است برای ممانعت از ورشکستگی اوکراین ۱۸ میلیارد دلار وام به حکومت فاشیستی کودتا که نه دموکرات است و نه منتخب مردم و نه مدافع حقوق بشر بپردازد. این وام البته چیزی جز وام اسارت آور نیست. فشار اروپا برای امضای قرار داد همکاری با اتحادیه اروپا به دولت یانوکویچ، که زیر بار آن نرفت، برای تحقق سیاست اقتصادی نئولیبرالی در اوکراین بود. حکومت جدید دست راستی فوراً این قرارداد استعماری را برای فروش اوکراین امضاء کرد و نمی شود با زور دروغ و تبلیغات آنها خواست مردم اوکراین جا زد. همین کار را دارد دولت روحانی با مردم ایران می کند. دولت منتخب یانوکویچ ترجیح می داد که به اتحادیه گمرکی روسیه بپیوندد که از جمله روسیه سفید، ارمنستان، قزاقستان عضو آن هستند. طبیعی است که این امر نیز منجر به افزایش نفوذ روسیه و هدایت سیاستهای اوکراین شده و استقلال آنها تهدید خواهد کرد. ولی پیوستن به قرارداد همکاری با اتحادیه اروپا یعنی نابودی همه صنایع سنگین اوکراین که در شرق این کشور مستقر است. یعنی مداخله آشکار در امور داخلی اوکراین،

یعنی پیشروی ناتو تا مرز روسیه، یعنی تقویت نازیسم در اروپا، یعنی افزایش خطر جنگ و ادامه سیاست نقض حاکمیت کشورها در سراسر جهان، یعنی یوگسلاویزه کردن جهان.

در زمانی که آشوبگران به نام مردم اوکرائین با نقض همه مقررات و قوانین اوکراین در "مایدان" گرد آمده بودند، آلمانها قهرمان سنگین وزن و سبک مغز بکس جهان، آقای ویتالی کلیچکو را که دست پروده بنیاد استعماری "کنراد آدنائر" است، مورد حمایت قرار داده تا نخست وزیر دست نشانده اوکراین شود؟؟!! اکنون نامی هم از این دست نشانده سنگین وزن، بی شخصیت، بی اهمیت و بی سواد مطرح نیست. انسان بی اختیار یاد این شعر می افتد:

از روئیدن خار سر دیوار دانستم
که ناکس، کس نمی گردد به این بالا نشستنها.

آنها در امور داخلی اوکرائین به مداخله آشکار پرداخته و مقامات رسمی شان در "مایدان" ظاهر شده و سخنرانی های تحریک آمیز می کردند که حتی خودشان حاضر نیستند به بروز یک نمونه مشابه آن، در کشور آلمان و یا جای دیگر در اروپا، اجازه تکرار دهند. آقای وستر وله (Westerwelle) وزیر امور خارجه آلمان در ۵ دسامبر سال ۲۰۱۳ راهی اوکرائین شد و قبل از ملاقات با مقامات رسمی اوکرائین، در همراهی با عوامل آلمان در اوکراین، از فرودگاه عازم میدان "مایدان" گردید و در آنجا اعلام کرد: "ما به حضور اوکراین در اتحادیه اروپا خوش آمد می گوئیم". وی بعد از آن سنگ تمام گذارد و اضافه نمود: "ما در اوکرائین جانب هیچ حزبی نیستیم ما جانب ارزشهای اروپائی هستیم". ظاهرا برگزاری انتخابات آزاد و انتخاب دموکراتیک آقای یانوکوویچ یک ارزش اروپائی محسوب نمی شد. روسها طبیعتا نسبت به این دخالت آشکار در امور داخلی اوکرائین که جهت آشکار ضد روسی داشت، برآشفته شده و اعتراض کردند و آقای وستروله برای محکم کاری در پاسخ به اعتراض روسها اعلام کرد: "وقتی ما اروپائیهما، با اروپائیهما دیگر نظیر اوکرائینی ها صحبت می کنیم، دخالت در امور داخلی نیست، بلکه از بدیهیات است". این اظهارات فاشیستی که حتی روسها را خارج از اروپا قرار می دهد و بوی هیتلریسم از آن به مشام می رسد، در وقاحت بی نظیر است و تنها بوی زبان زور را به مشام می رساند. آقای مک کین نامزد سابق ریاست جمهوری امریکا، از آمریکا با هوپیمای اختصاصی راه می افتد و چند هزار کیلومتر آنطرفتر با نقض حق حاکمیت ملی اوکراین، در میدان "مایدان" ظاهر می شود و در سخنرانی خود به صورت توهین آمیز، با پخش شیرینی میان حضار در "مایدان"، آنها را ترغیب به کسب قدرت سیاسی می کند.

دولت آقای یانوکوویچ حتی حاضر شد برای ممانعت از تجزیه اوکراین، برای رفع تنشج به عقب نشینی های خفت آوری که در توافقنامه ای میان اپوزیسیون و دولت و تأیید حضوری وزرای خارجه آلمان، فرانسه و لهستان و موافقت تلفنی وزیر خارجه روسیه، تدوین شده بود، تن در دهد. به موجب آن آقای یانوکوویچ آماده بود، انتخابات را به جلو بیاورد، دولتی انتقالی بوجود آورد و در قانون اساسی اصلاحاتی مورد توافق اپوزیسیون به عمل آورد. این توافقنامه حتی مورد تحسین رسمی دول آلمان، فرانسه و لهستان قرار گرفت. طبیعی است که آقای یانوکوویچ می دانست که برنده انتخابات آزاد بعدی، خود آقای یانوکوویچ است و اپوزیسیون آلمانی-آمریکائی بختی ندارد. این حقیقت بر نماینده امپریالیستهای غرب نیز روشن بود. آنها بهیچوجه نمی توانستند به یک انتخابات آزاد تن در دهند، زیرا مردم اوکرائین که ماهیت سردمداران "مایدان" را شناخته بودند و مداخله امپریالیستها در امور داخلی کشورشان را می دیدند و بوی تعفن نازیسم را استشاق می کردند، حاضر نبودند خانم تیموشنکوئی تبهکار و دست نشانده آلمانها را بر سر کار آورند. در این میان آمریکائی ها که با شعار "اروپا را بگائید" (fuck the EU) به میدان آمدند، زیر پای بکسور "مستقل، دموکرات" آلمانی را رویبندند و وی را مانند قابدستمال به زباله دان تاریخ افکندند و نامزدهای مورد علاقه خویش را با یاری نازی ها و تقویت آنها بر سر کار آوردند. کودتای اوکراین در حقیقت بدست آمریکائی ها و رو دست زدن به اتحایه اروپا انجام شد و بویژه آلمانها را در مقابل روسها در موقعیت اقتصادی و سیاسی بسیاری بحرانی و خطرناکی قرار داد. آقای آرسنی یاتسنیوک (Arseniy Yatsenyuk) نخست وزیر کودتائی اوکرائین در حقیقت مرد مورد علاقه آمریکاست و باید سیاست نئولیبرالیسم آمریکائی ها را به بهترین وجه در اوکراین پیاده کند. روشن است که این آقای نخست وزیر قانونی نیست. مغایر قانون اساسی اوکرائین بر سر کار آمده است. از نظر قانون اساسی اوکرائین، خوب یا بد، هنوز آقای یانوکوویچ نخست وزیر رسمی و قانونی است. مضحک است که همین دشمنان قانون اساسی که در اوکرائین بر سر کار آمده اند و مورد تأیید امپریالیستهای "دموکرات" هستند، جدائی شبه جزیره کریمه از اوکراین و پیوستن آن به روسیه را، ضد قانون اساسی اوکراین اعلام می کنند. البته این درست است که در قانون اساسی اوکرائین مبنای جدائی، تنها با رای همه مردم اوکرائین رسمیت دارد و هر منطقه و یا بخش از اوکراین نمی تواند و مجاز نیست با مراجعه به آراء مردم همان منطقه اعلام جدائی کند. ولی استناد به قانون اساسی زمانی مجاز است که این قانون در تمامیت خود مورد احترام و پذیرش همه مردم اوکراین باشد. نمی شود قانون اساسی را خودسرانه تغییر داد و یا تفسیر

کرد. اگر قانون اساسی ملاک قضاوت است، نخست وزیر قانونی اوکرائین نامش یانوکوویچ است که در یک انتخابات دموکراتیک توسط مردم اوکرائین انتخاب شده است و هرگز نیز از مقام خود خلع نشده و استعفاء نیز نداده است. قانون اساسی اوکرائین حق اقلیت ملت روس را در استفاده از زبان رسمی روسی برسمیت شناخته است و نمی شود نازی ها یکشنبه همه مواد قانون اساسی اوکرائین را لگدمال کنند و فقط موادی را به رسمیت بشناسند که می توان بر اساس شرایط روز آنرا به نفع خود مورد تفسیر قرار داد. قانون اساسی که یکبار به زیر پا برود، بدعتی را بنا می کند که همیشه مورد تعرض و تعدی قرار گیرد. رطب خوردگان منع رطب چون کنند.

پس محکوم کردن تصمیم جدائی مردمان شبه جزیره کریمه و یا حتی سایر مناطق اوکراین از نظر حقوقی، فقط یک ریاکاری صرف است. قانون اساسی اوکراین که باید مورد احترام مردم اوکرائین و همه همسایگان اوکراین باشد، میثاقی است میان همه مردم اوکراین که باید مورد احترام همه آنها در تمامیت خود باشد. قانون اساسی را نمی شود گزینشی پذیرفت. دلی که در امور داخلی اوکرائین دخالت کردند و در راسشان آلمان و آمریکا مسئول وضعیتی هستند که در اوکرائین پیدا شده است. آنها هم قانون اساسی اوکرائین را لگدمال کردند، هم به قانون احترام به حق حاکمیت کشورها، تف کردند و هم اعلام کردند که ناقض حقوق بین الملل و منشور ملل متحد هستند. در این میان آلمانها از همه بیشتر باخته اند. امپریالیسم گستاخ و توسعه طلب و وقیح آلمان چنان با اطمینان خاطر و خودخواهانه تاخت که سرش بر سنگ خورد و کار به جایی رسیده است که مقامات اسرائیلی به تحریفاتی که نازی های کودتاچی در قدرت در کیف، در تاریخ اوکراین می کنند و به تغییر محتوی کتب درسی پرداخته اند به اعتراض برخاسته اند. پیروزی نازی ها در اوکرائین حتی برای لهستانی ها و چکها نیز تولید نگرانی نموده است. رفتار نژادپرستانه آنها با مردمان روس آبهستن تشنج در تمام مناطقی است که روسها در اروپا اقلیتی را در آنها تشکیل می دهند. راه در آمدن از بحران در اوکراین با زورگویی و هل من مبارز طلبیدن نیست. راه غلبه بر بحران احترام به قانون اساسی اوکراین، عدم دخالت در امور داخلی اوکراین از طرف قدرتهای بزرگ و بویژه اروپا و آمریکا و احترام به تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی مردم اوکرائین است. بحرانی که امروز در اوکراین بوجود آمده ریشه در توسعه نفوذ امپریالیسم غرب در جای پای ابرقدرت شوروی سابق دارد. آنها در پی محاصره روسیه از نظر نظامی و توسعه دامنه نفوذ پیمان تجاوزکارانه ناتو هستند و می خواهند با فشار اقتصادی و نظامی به منابع عظیم ثروت دست نخورده سرزمین روسیه و محاصره چین دست پیدا کنند. امپریالیسم روس نیز به این سادگی به زیر بار خطری که در آستانه مسکو قرار دارد نمی رود و با اتحادیه گمرکی خود در مقابل قرارداد مناطق آزاد تجاری غرب و سازمان تجارت جهانی ایستادگی می کند. امپریالیسم غرب در شرایط امروز جهانی امپریالیسم مهاجم و خطرناک برای تهدید صلح در جهان است. کمونیستها در شرایط کنونی نمی توانند نسبت به این خطر بالفعل تحت این عنوان که "همه امپریالیستند" بی تفاوت بمانند. کمونیستها باید در این شرایط خطرناک جهانی از حق حاکمیت کشورها، از تمامیت ارضی آنها، از عدم مداخله در امور داخلی کشورها که به بهانه های گوناگون صورت می پذیرد، دفاع کنند. کمونیستها باید ریاکاری امپریالیستها در دفاع از "حقوق دموکراتیک"، "انتخابات آزاد"، "مبارزه با فساد"، "تحقق حقوق بشر"، "آزادی بیان و قلم"، "آزادی تویتر و فیس بوک و شبکه مجازی" و... افشاء کنند و نشان دهند که حقوق دموکراتیک به مثابه مفاهیم اجتماعی طبقاتی اند و امپریالیستها گزینشی از آن برای نیات شوم خود استفاده می کنند. کمونیستها در شرایط کنونی باید از صلح جهانی و تقبیح جنگ حمایت کنند. حفظ صلح و رفع خطر جنگ به نفع خلقها و طبقه کارگر در جهان است.

در غیر این صورت امپریالیستها تیرنه می شوند، ریاکاری تبلیغاتی آنها برملا نمی شود و تجزیه اوکراین آغاز تجزیه سایر ممالک و افزایش خطر جنگ و فلاکت برای بشریت خواهد بود. کمونیستها واقعی در اوکراین باید برای تحقق این خواستها مبارزه کنند و مردم را بسیج نمایند. اوکراین برای مبارزه با هیتلر به استالین نیاز دارد.

حزب کار ایران (توفان)

سه شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۳

www.toufan.org